

افعال رایج و مهم در زبان عربی

همراه با تلفظ، ترجمه و مثال کاربردی

ذَهَبَ

كَتَبَ

قَرَأَ

أَكَلَ

تَحَدَّثَ

تَعَلَّمَ

اللغة العربية

تصريف الأفعال

تهیه شده توسط چرب زبان

<https://charbzaban.com/>

افعال رایج و مهم در زبان عربی

ترجمه فارسی • تلفظ با اعراب • کاربرد در جمله

صفحه 2

افعال رایج و مهم عربی – بخش اول – صفحه 1 از 29

باز کرد

فتح

تلفظ (با اعراب)

فَتَحَ

در جمله

فَتَحَ الْوَلَدُ الْبَابَ

پسر در را باز کرد.

نوشت

کتب

تلفظ (با اعراب)

كَتَبَ

در جمله

كَتَبَ الطَّالِبُ الدَّرْسَ

دانش‌آموز درس را نوشت.

بست

أغلق

تلفظ (با اعراب)

أَغْلَقَ

در جمله

أَغْلَقَتِ الْمُعَلِّمَةُ النَّافِذَةَ

معلم پنجره را بست.

خواند

قرأ

تلفظ (با اعراب)

قَرَأَ

در جمله

قَرَأَتْ سَارَةُ كِتَابًا جَدِيدًا

ساره کتاب جدیدی را خواند.

خورد

أَكَلَ

تلفظ (با اعراب)

أَكَلَ

در جمله

أَكَلَتِ الْعَائِلَةُ الْغَدَاءَ مَعًا

خانواده با هم ناهار خوردند.

رفت

ذَهَبَ

تلفظ (با اعراب)

ذَهَبَ

در جمله

ذَهَبَ أَحْمَدُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ

احمد به مدرسه رفت.

نوشید

شَرِبَ

تلفظ (با اعراب)

شَرِبَ

در جمله

شَرِبَ الطِّفْلُ كُوبَ حَلِيبٍ

کودک یک لیوان شیر نوشید.

آمد

جَاءَ

تلفظ (با اعراب)

جَاءَ

در جمله

جَاءَ صَدِيقِي مِنَ السَّفَرِ

دوستم از سفر آمد.

نام

تلفظ (با اعراب)

نَامَ

در جمله

نَامَ الْأَطْفَالُ بَاكِراً

بچه‌ها زود خوابیدند.

خوابید

جلس

تلفظ (با اعراب)

جَلَسَ

در جمله

جَلَسَ الرَّجُلُ عَلَى الْكُرْسِيِّ

مرد روی صندلی نشست.

نشست

استيقظ

تلفظ (با اعراب)

اِسْتَيْقَظَ

در جمله

اِسْتَيْقَظْتُ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ

من ساعت هفت بیدار شدم.

بیدار شد

وقف

تلفظ (با اعراب)

وَقَفَ

در جمله

وَقَفَ الْجُنُودُ فِي الصَّفِّ

سربازان در صف ایستادند.

ایستاد

برگشت

رجع

تلفظ (با اعراب)

رَجَعَ

در جمله

رَجَعَ أَبِي مِنَ الْعَمَلِ مُتَأَخِّرًا

پدرم دیر از سر کار برگشت.

بیرون رفت

خرج

تلفظ (با اعراب)

خَرَجَ

در جمله

خَرَجَتِ الْبِنْتُ مِنَ الْبَيْتِ

دختر از خانه بیرون رفت.

بازگشت

عاد

تلفظ (با اعراب)

عَادَ

در جمله

عَادَ الْمُسَافِرُونَ إِلَى وَطَنِهِمْ

مسافران به وطن خود بازگشتند.

وارد شد

دخل

تلفظ (با اعراب)

دَخَلَ

در جمله

دَخَلَ الْمُدِيرُ الْمَكْتَبَ

مدیر وارد دفتر شد.

سوار شد

رکب

تلفظ (با اعراب)

رَكَبَ

در جمله

رَكَبَ الْأَوْلَادُ الْحَافِلَةَ

بچه‌ها سوار اتوبوس شدند.

سفر کرد

سافر

تلفظ (با اعراب)

سَافَرَ

در جمله

سَافَرْنَا إِلَى مِصْرَ الصَّيْفِ الْمَاضِي

تابستان گذشته به مصر سفر کردیم.

پیاده شد

نزل

تلفظ (با اعراب)

نَزَلَ

در جمله

نَزَلَتِ الْمَرْأَةُ مِنَ السَّيَّارَةِ

زن از ماشین پیاده شد.

رسید

وصل

تلفظ (با اعراب)

وَصَلَ

در جمله

وَصَلَ الْقِطَارُ فِي الْمَوْعِدِ

قطار سر وقت رسید.

مشی

تلفظ (با اعراب)

مَشَى

در جمله

مَشَى الْجَدُّ فِي الْحَدِيقَةِ

پدربزرگ در باغ راه رفت.

راه رفت

قفز

تلفظ (با اعراب)

قَفَزَ

در جمله

قَفَزَ الْقَطُّ فَوْقَ الْجِدَارِ

گره از روی دیوار پرید.

پرید

جری

تلفظ (با اعراب)

جَرَى

در جمله

جَرَى الْوَلَدُ خَلْفَ الْكُرَةِ

پسر پشت توپ دوید.

دوید

سقط

تلفظ (با اعراب)

سَقَطَ

در جمله

سَقَطَتِ الْأَوْرَاقُ مِنَ الشَّجَرَةِ

برگها از درخت افتادند.

افتاد

نگاه کرد

نظر

تلفظ (با اعراب)

نَظَرَ

در جمله

نَظَرَتِ الْفَتَاةُ إِلَى السَّمَاءِ

دختر به آسمان نگاه کرد.

افتاد / رخ داد

وقع

تلفظ (با اعراب)

وَقَعَ

در جمله

وَقَعَ حَادِثٌ فِي الشَّارِعِ

در خیابان تصادفی رخ داد.

تماشا کرد

شاهد

تلفظ (با اعراب)

شَاهَدَ

در جمله

شَاهَدْنَا فِيهَا جَمِلاً

فیلم زیبایی تماشا کردیم.

دید

رأى

تلفظ (با اعراب)

رَأَى

در جمله

رَأَيْتُ صَدِيقِي فِي السُّوقِ

دوستم را در بازار دیدم.

سمع

تلفظ (با اعراب)

سَمِعَ

در جمله

سَمِعَ النَّاسُ صَوْتَ الرَّعْدِ

مردم صدای رعد را شنیدند.

شنید

قال

تلفظ (با اعراب)

قَالَ

در جمله

قَالَتِ الْأُمُّ كَلِمَةً لَطِيفَةً

مادر سخنی مهربانانه گفت.

گفت

تكلم

تلفظ (با اعراب)

تَكَلَّمَ

در جمله

تَكَلَّمَ الْأُسْتَاذُ عَنِ التَّارِيخِ

استاد درباره‌ی تاریخ صحبت کرد.

صحبت کرد

سأل

تلفظ (با اعراب)

سَأَلَ

در جمله

سَأَلَ الطَّالِبُ سُؤَالَ صَعْبًا

دانش‌آموز سؤالی سخت پرسید.

پرسید

أجاب

تلفظ (با اعراب)

أَجَابَ

در جمله

أَجَابَ الْمُعَلِّمُ عَنِ السُّؤَالِ

معلم به سؤال پاسخ داد.

پاسخ داد

أراد

تلفظ (با اعراب)

أَرَادَ

در جمله

أَرَادَ الْوَلَدُ لَعِبَةَ جَدِيدَةً

پسر یک اسباب بازی جدید خواست.

خواست

طلب

تلفظ (با اعراب)

طَلَبَ

در جمله

طَلَبَ الْعَامِلُ إِجَازَةً

کارگر درخواست مرخصی کرد.

درخواست کرد

أحب

تلفظ (با اعراب)

أَحَبَّ

در جمله

أَحَبَّ الطِّفْلُ الْقِطَّةَ الصَّغِيرَةَ

کودک گربه ی کوچک را دوست داشت.

دوست داشت

دانست

علم

تلفظ (با إعراب)

عَلِمَ

در جمله

عَلِمَ الطَّيِّبُ سَبَبَ الْمَرَضِ
پزشک علت بیماری را دانست.

بیزار بود

كره

تلفظ (با إعراب)

كَرِهَ

در جمله

كَرِهَ الرَّجُلُ الْكَذِبَ
مرد از دروغ بیزار بود.

فهمید

فهم

تلفظ (با إعراب)

فَهِمَ

در جمله

فَهِمَ الطُّلَّابُ الدَّرْسَ جَيِّدًا
دانش‌آموزان درس را خوب فهمیدند.

شناخت

عرف

تلفظ (با إعراب)

عَرَفَ

در جمله

عَرَفْتُ هَذَا الرَّجُلَ مِنْ زَمَانٍ
من این مرد را از مدت‌ها پیش می‌شناختم.

آموزش داد

عَلَّمَ

تلفظ (با اعراب)

عَلَّمَ

در جمله

عَلَّمَ الْأُسْتَاذُ الطُّلَّابَ الرِّيَاضِيَّاتِ

استاد به دانش‌آموزان ریاضی آموزش داد.

یاد گرفت

تَعَلَّمَ

تلفظ (با اعراب)

تَعَلَّمَ

در جمله

تَعَلَّمْتُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي سَنَةٍ

من زبان عربی را در یک سال یاد گرفتم.

بازی کرد

لَعِبَ

تلفظ (با اعراب)

لَعِبَ

در جمله

لَعِبَ الْأَوْلَادُ كُرَةَ الْقَدَمِ

بچه‌ها فوتبال بازی کردند.

درس خواند

دَرَسَ

تلفظ (با اعراب)

دَرَسَ

در جمله

دَرَسَتِ الطَّالِبَةُ لِلْإِمْتِحَانِ

دانش‌آموز برای امتحان درس خواند.

انجام داد

فعل

تلفظ (با اعراب)

فَعَّلَ

در جمله

مَاذَا فَعَّلْتَ أُمْسِ؟

دیروز چه کار کردی؟

کار کرد

عمل

تلفظ (با اعراب)

عَمِلَ

در جمله

عَمِلَ أَبِي فِي الْمَصْنَعِ

پدرم در کارخانه کار کرد.

شروع کرد

بدأ

تلفظ (با اعراب)

بَدَأَ

در جمله

بَدَأَ الدَّرْسُ فِي التَّاسِعَةِ

درس ساعت نه شروع شد.

ساخت

صنع

تلفظ (با اعراب)

صَنَعَ

در جمله

صَنَعَتِ الْمَرْأَةُ كَعْكَةً لَذِيذَةً

زن کیک خوشمزه‌ای درست کرد.

انتهی

تلفظ (با اعراب)

انْتَهَى

در جمله

انْتَهَتْ الْمُبَارَاةُ بِالتَّعَادُلِ

بازی با تساوی تمام شد.

تمام شد

ساعد

تلفظ (با اعراب)

سَاعَدَ

در جمله

سَاعَدَ الْجَارُ عَجُوزًا فِي حَمْلِ الْأَغْرَاضِ

همسایه به پیرزنی در حمل وسایل کمک کرد.

کمک کرد

انتظر

تلفظ (با اعراب)

اِنْتَظِرْ

در جمله

اِنْتَظَرْتُ صَدِيقِي أَمَامَ الْمَدْرَسَةِ

جلوی مدرسه منتظر دوستم ماندم.

منتظر ماند

أعطى

تلفظ (با اعراب)

أَعْطَى

در جمله

أَعْطَتِ الْأُمُّ الطِّفْلَ تَفَاحَةً

مادر به کودک یک سیب داد.

داد

أخذ

تلفظ (با اعراب)

أَخَذَ

در جمله

أَخَذَ الْمُوظَّفُ الْمِلْفَ مِنَ الطَّائِلَةِ

کارمند پرونده را از روی میز برداشت.

گرفت

فقد

تلفظ (با اعراب)

فَقَدَ

در جمله

فَقَدَتِ الْبِنْتُ دُمِيَّتَهَا

دختر عروسکش را گم کرد.

از دست داد

وجد

تلفظ (با اعراب)

وَجَدَ

در جمله

وَجَدَ الْوَلَدُ مِفْتَاحًا فِي الشَّارِعِ

پسر کلیدی در خیابان پیدا کرد.

یافت

بحث

تلفظ (با اعراب)

بَحَثَ

در جمله

بَحَثَ الْعَالَمُ عَنِ الْحَقِيقَةِ

دانشمند به دنبال حقیقت گشت.

جستجو کرد

بلند کرد

رفع

تلفظ (با اعراب)

رَفَعَ

در جمله

رَفَعَ الرِّيَاضِيُّ الْأَثْقَالَ

ورزشکار وزنه‌ها را بلند کرد.

حمل کرد

حمل

تلفظ (با اعراب)

حَمَلَ

در جمله

حَمَلَ الْعَامِلُ الصَّنَادِقَ

کارگر جعبه‌ها را حمل کرد.

حفظ کرد

حفظ

تلفظ (با اعراب)

حَفِظَ

در جمله

حَفِظَ الطَّالِبُ الْقَصِيدَةَ

دانش‌آموز شعر را حفظ کرد.

گذاشت

وضع

تلفظ (با اعراب)

وَضَعَ

در جمله

وَضَعَتِ الْمَرْأَةُ الْكِتَابَ عَلَى الطَّاوِلَةِ

زن کتاب را روی میز گذاشت.

فکر کرد

فَكَرَ

تلفظ (با اعراب)

فَكَرَ

در جمله

فَكَرَ الطَّالِبُ فِي الْحَلِّ

دانش‌آموز به راه‌حل فکر کرد.

فراموش کرد

نَسِيَ

تلفظ (با اعراب)

نَسِيَ

در جمله

نَسِيتُ اسْمَهُ

اسم‌ش را فراموش کردم.

اعتقاد داشت

اعْتَقَدَ

تلفظ (با اعراب)

اعْتَقَدَ

در جمله

اعْتَقَدَ النَّاسُ أَنَّهُ صَادِقٌ

مردم اعتقاد داشتند که او راستگو است.

به یاد آورد

تَذَكَّرَ

تلفظ (با اعراب)

تَذَكَّرَ

در جمله

تَذَكَّرَ الرَّجُلُ طُفُولَتَهُ

مرد کودکی‌اش را به یاد آورد.

خندید

ضحك

تلفظ (با اعراب)

ضَحَكْ

در جمله

ضَحِكَ الْأَصْدِقَاءُ كَثِيرًا

دوستان خیلی خندیدند.

شعر

تلفظ (با اعراب)

شَعَرَ

در جمله

شَعَرَتِ الْبِنْتُ بِالسَّعَادَةِ

دختر احساس خوشحالی کرد.

گریست

بَكَى

تلفظ (با اعراب)

بَكَى

در جمله

بَكَى الطِّفْلُ لِأَنَّهُ جَاعٌ

کودک چون گرسنه بود گریه کرد.

خاف

تلفظ (با اعراب)

خَافَ

در جمله

خَافَ الطِّفْلُ مِنَ الظَّلَامِ

کودک از تاریکی ترسید.

ترسید

فرح

تلفظ (با اعراب)

فَرِحَ

در جمله

فَرِحَ الْأَطْفَالُ بِالْعِيدِ

بچه‌ها از عید خوشحال شدند.

خوشحال شد

غضب

تلفظ (با اعراب)

غَضِبَ

در جمله

غَضِبَ الْمُدْرِبُ مِنَ اللَّاعِبِ

مربی از بازیکن عصبانی شد.

عصبانی شد

حزن

تلفظ (با اعراب)

حَزِنَ

در جمله

حَزِنَتِ الْأُمُّ عَلَى سَفَرِ ابْنِهَا

مادر از سفر پسرش غمگین شد.

غمگین شد

تعب

تلفظ (با اعراب)

تَعِبَ

در جمله

تَعِبَ الْعَمَالُ بَعْدَ يَوْمٍ طَوِيلٍ

کارگران بعد از یک روز طولانی خسته شدند.

خسته شد

مرد

مات

تلفظ (با اعراب)

مَاتَ

در جمله

مَاتَ الْمَلِكُ الْقَدِيمُ

پادشاه قدیمی درگذشت.

بیمار شد

مرض

تلفظ (با اعراب)

مَرَضَ

در جمله

مَرَضَ الْوَلَدُ فِي الشِّتَاءِ

پسر در زمستان بیمار شد.

متولد شد

ولد

تلفظ (با اعراب)

وُلِدَ

در جمله

وُلِدَ أَخِي فِي الرَّبِيعِ

برادرم در بهار متولد شد.

زندگی کرد

عاش

تلفظ (با اعراب)

عَاشَ

در جمله

عَاشَ جَدِّي فِي الْقَرْيَةِ

پدربزرگم در روستا زندگی کرد.

کبر

تلفظ (با اعراب)

كَبِرَ

در جمله

كَبِرَ الطِّفْلُ بِسُرْعَةٍ

کودک به سرعت بزرگ شد.

بزرگ شد

اختار

تلفظ (با اعراب)

اِخْتَارَ

در جمله

اِخْتَارَتِ الْبِنْتُ فُسْتَانًا أَحْمَرَ

دختر یک لباس قرمز انتخاب کرد.

انتخاب کرد

غیر

تلفظ (با اعراب)

غَيَّرَ

در جمله

غَيَّرَ الْمَدِيرُ خُطَّةَ الْعَمَلِ

مدیر برنامه‌ی کار را تغییر داد.

تغییر داد

قرر

تلفظ (با اعراب)

قَرَّرَ

در جمله

قَرَّرَ الطَّالِبُ السَّفَرَ إِلَى لُبْنَانَ

دانش‌آموز تصمیم گرفت به لبنان سفر کند.

تصمیم گرفت

حاول

تلفظ (با اعراب)

حَاوَلَ

در جمله

حَاوَلَ اللَّاعِبُ تَسْجِيلَ هَدَفٍ

بازیکن تلاش کرد تا گل بزند.

تلاش کرد

فشل

تلفظ (با اعراب)

فَشَلَ

در جمله

فَشَلَ الْفَرِيقُ فِي الْمُبَارَاةِ

تیم در بازی شکست خورد.

شکست خورد

نَجَحَ

تلفظ (با اعراب)

نَجَحَ

در جمله

نَجَحَتِ الطَّالِبَةُ فِي الْإِمْتِحَانِ

دانش‌آموز در امتحان موفق شد.

موفق شد

طَبَخَ

تلفظ (با اعراب)

طَبَخَ

در جمله

طَبَخَتِ الْجَدَّةُ طَعَامًا شَهِيًّا

مادر بزرگ غذایی خوشمزه پخت.

آشپزی کرد

خرید

اشتری

تلفظ (با اعراب)

اِشْتَرَى

در جمله

اِشْتَرَى أَبِي سَيَّارَةَ جَدِيدَةً

پدرم یک ماشین جدید خرید.

شست

غسل

تلفظ (با اعراب)

غَسَلَ

در جمله

غَسَلَتِ الْأُمُّ الْمَلَأِسَ

مادر لباس‌ها را شست.

فروخت

باع

تلفظ (با اعراب)

بَاعَ

در جمله

بَاعَ التَّاجِرُ بِضَاعَتَهُ بِسُرْعَةٍ

تاجر کالای خود را سریع فروخت.

تمیز کرد

نظف

تلفظ (با اعراب)

نَظَّفَ

در جمله

نَظَّفَ الْعَمَالُ الشُّوَارِعَ

کارگران خیابان‌ها را تمیز کردند.

نماز خواند

صَلَّى

تلفظ (با اعراب)

صَلَّى

در جمله

صَلَّى الرَّجَالُ فِي الْمَسْجِدِ

مردان در مسجد نماز خواندند.

پرداخت کرد

دَفَعَ

تلفظ (با اعراب)

دَفَعَ

در جمله

دَفَعَ الزُّيُونُ ثَمَنَ الْقَهْوَةِ

مشتری قیمت قهوه را پرداخت کرد.

روزه گرفت

صَامَ

تلفظ (با اعراب)

صَامَ

در جمله

صَامَ الْمُسْلِمُونَ فِي رَمَضَانَ

مسلمانان در رمضان روزه گرفتند.

استفاده کرد

اِسْتَعْدَمَ

تلفظ (با اعراب)

اِسْتَعْدَمَ

در جمله

اِسْتَعْدَمَ الطَّالِبُ الْحَاسُوبَ لِلْبَحْثِ

دانش‌آموز از رایانه برای تحقیق استفاده کرد.

جمع شد

اجتمع

تلفظ (با إعراب)

اجْتَمَعَ

در جمله

اجْتَمَعَ الْأَصْدِقَاءُ فِي الْمَقْهَى

دوستان در کافه جمع شدند.

دیدار کرد

زار

تلفظ (با إعراب)

زَارَ

در جمله

زُرْتُ جَدَّتِي يَوْمَ الْجُمُعَةِ

روز جمعه به دیدن مادربزرگم رفتم.

گفت‌وگو کرد

تحدث

تلفظ (با إعراب)

تَحَدَّثَ

در جمله

تَحَدَّثَتِ الْبِنْتُ مَعَ صَدِيقَتِهَا

دختر با دوستش گفت‌وگو کرد.

ملاقات کرد

التقى

تلفظ (با إعراب)

التَقَى

در جمله

التَقَى الرَّئِيسَانِ فِي الْقَاهِرَةِ

دو رئیس‌جمهور در قاهره ملاقات کردند.

أخبر

تلفظ (با اعراب)

أخبر

در جمله

أخبرني أخي بالخبر السار

برادرم خبر خوشحال کننده را به من داد.

خبر داد

استقبل

تلفظ (با اعراب)

استقبل

در جمله

استقبل الناس الضيوف بالترحيب

مردم از مهمانان با گرمی استقبال کردند.

استقبال کرد

أرسل

تلفظ (با اعراب)

أرسل

در جمله

أرسلت لي رسالة إلى صديقتها

لیلا نامه ای برای دوستش فرستاد.

فرستاد

طبع

تلفظ (با اعراب)

طبع

در جمله

طبع الكاتب روايته الجديدة

نویسنده رمان جدیدش را چاپ کرد.

چاپ کرد

رقصید

رقص

تلفظ (با اعراب)

رَقَصَ

در جمله

رَقَصَ الْأَطْفَالُ فِي الْحَفْلَةِ

بچه‌ها در جشن رقصیدند.

نقاشی کرد

رسم

تلفظ (با اعراب)

رَسَمَ

در جمله

رَسَمَتِ الْفَتَاةُ لَوْحَةً جَمِيلَةً

دختر تابلوی زیبایی نقاشی کرد.

شنا کرد

سبح

تلفظ (با اعراب)

سَبَحَ

در جمله

سَبَحَ الْأَوْلَادُ فِي الْبَحْرِ

پسران در دریا شنا کردند.

آواز خواند

غنی

تلفظ (با اعراب)

غَنَّى

در جمله

غَنَّى الْمُطَرِّبُ أُغْنِيَةً قَدِيمَةً

خواننده آهنگی قدیمی خواند.

پوشید

لبس

تلفظ (با اعراب)

لَبَسَ

در جمله

لَبَسَتِ الْبِنْتُ فُسْتَانًا جَمِيلًا

دختر لباس زیبایی پوشید.

پرواز کرد

طار

تلفظ (با اعراب)

طَارَ

در جمله

طَارَتِ الطُّيُورُ نَحْوَ الْجَنُوبِ

پرندگان به سمت جنوب پرواز کردند.

درآورد

خلع

تلفظ (با اعراب)

خَلَعَ

در جمله

خَلَعَ الْوَلَدُ حِذَاءَهُ عِنْدَ الْبَابِ

پسر کفشش را دم در درآورد.

رانندگی کرد

قاد

تلفظ (با اعراب)

قَادَ

در جمله

قَادَ السَّائِقُ السَّيَّارَةَ بِحَذَرٍ

راننده با احتیاط رانندگی کرد.

تعمیر کرد

أَصْلَحَ

تلفظ (با اعراب)

أَصْلَحَ

در جمله

أَصْلَحَ الْمِكَانِيكِيُّ السَّيَّارَةَ

مکانیک ماشین را تعمیر کرد.

ساخت

بَنَى

تلفظ (با اعراب)

بَنَى

در جمله

بَنَى الْعَمَالُ بَيْتًا جَدِيدًا

کارگران خانه‌ای جدید ساختند.

شکست

انْكَسَرَ

تلفظ (با اعراب)

انْكَسَرَ

در جمله

انْكَسَرَ الزُّجَاجُ عَلَى الْأَرْضِ

شیشه روی زمین شکست.

خراب کرد

هَدَمَ

تلفظ (با اعراب)

هَدَمَ

در جمله

هَدَمَ الْعَمَالُ الْجِدَارَ الْقَدِيمَ

کارگران دیوار قدیمی را خراب کردند.

شکر

تشکر کرد

تلفظ (با اعراب)

شَكَرَ

در جمله

شَكَرَ الطَّالِبُ مُعَلِّمَهُ

دانش‌آموز از معلمش تشکر کرد.

ضرب

زد

تلفظ (با اعراب)

ضَرَبَ

در جمله

ضَرَبَ اللَّاعِبُ الْكُرَةَ بِقُوَّةٍ

بازیکن توپ را با قدرت زد.

اعتذر

عذرخواهی کرد

تلفظ (با اعراب)

إِعْتَذَرَ

در جمله

إِعْتَذَرَ الْوَلَدُ عَنْ تَأْخُرِهِ

پسر بابت تأخیرش عذرخواهی کرد.

لمس

لمس کرد

تلفظ (با اعراب)

لَمَسَ

در جمله

لَمَسَ الطِّفْلُ الثَّلْجَ لِأَوَّلِ مَرَّةٍ

کودک برای اولین بار برف را لمس کرد.

كان

كَانَ

بود

در جمله

كَانَ الطَّقْسُ جَمِيلاً أَمْسِ

دیروز هوا زیبا بود.

أصبح

أَصْبَحَ

شد

در جمله

أَصْبَحَ الْوَلَدُ طَبِيباً

پسر پزشک شد.

صار

صَارَ

شد

در جمله

صَارَ الْجَوُّ بَارِدًا فِي اللَّيْلِ

هوا شب سرد شد.

ليس

لَيْسَ

نیست

در جمله

لَيْسَ الْجَوَّابُ صَحِيحًا

پاسخ درست نیست.

استطاع

اِسْتَطَاعَ

توانست

در جمله

اِسْتَطَاعَ الطِّفْلُ أَنْ يَقْرَأَ وَحْدَهُ

کودک توانست به تنهایی بخواند.

وجب

وَجَبَ

لازم/واجب شد

در جمله

وَجَبَ عَلَى الطَّلَابِ الْحُضُورُ

حضور بر دانش‌آموزان لازم شد.

سَمَح

سَمَح

اجازه داد

در جمله

سَمَحَ الْأَبُ لِابْنِهِ بِاللَّعِبِ

پدر به پسرش اجازه‌ی بازی داد.

مَنَعَ

مَنَعَ

منع کرد

در جمله

مَنَعَتِ الشَّرْطَةُ الْوُقُوفَ هُنَا

پلیس توقف در اینجا را منع کرد.

انتقل

اِنْتَقَلَ

نقل مکان کرد

در جمله

اِنْتَقَلَتِ الْعَائِلَةُ إِلَى بَيْتٍ جَدِيدٍ

خانواده به خانه‌ای جدید نقل مکان کرد.

حضر

حَضَرَ

حاضر شد

در جمله

حَضَرَ جَمِيعُ الطُّلَّابِ الْحَفْلَ

همه‌ی دانش‌آموزان در جشن حاضر شدند.

غاب

غَابَ

غایب بود

در جمله

غَابَ التَّلِيذُ عَنِ الْمَدْرَسَةِ

دانش‌آموز از مدرسه غایب بود.

ترك

تَرَكَ

ترک کرد

در جمله

تَرَكَ الرَّجُلُ عَمَلَهُ الْقَدِيمَ

مرد شغل قدیمی‌اش را ترک کرد.

بقي

بَقِيَ

ماند

در جمله

بَقِيَ الطَّعَامُ فِي الثَّلَاجَةِ

غذا در یخچال ماند.

استمر

اِسْتَمَرَّ

ادامه داد

در جمله

اِسْتَمَرَّ الْمَطَرُ طَوْلَ النَّهَارِ

باران تمام روز ادامه داشت.

توقف

تَوَقَّفَ

متوقف شد

در جمله

تَوَقَّفَتِ السَّيَّارَةُ عِنْدَ الْإِشَارَةِ

ماشین کنار چراغ راهنما متوقف شد.

حدث

حَدَثَ

اتفاق افتاد

در جمله

حَدَثَ تَغْيِيرٌ كَبِيرٌ فِي الْمَدِينَةِ

تغییری بزرگ در شهر اتفاق افتاد.

بَدَّلَ

بَدَّلَ

عوض کرد

در جمله

بَدَّلَ الْوَلَدُ مَلَابِسَهُ بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ

پسر بعد از مدرسه لباسش را عوض کرد.

اسْتَمَعَ

اسْتَمَعَ

گوش داد

در جمله

اسْتَمَعَ الطَّلَابُ إِلَى الْمُحَاضَرَةِ

دانش‌آموزان به سخنرانی گوش دادند.

انتبه

اَنْتَبِهْ

توجه کرد

در جمله

اَنْتَبِهْ السَّائِقُ لِلْإِشَارَةِ الْحُمْرَاءِ

راننده به چراغ قرمز توجه کرد.

أحضِرْ

أَحْضَرْ

آورد

در جمله

أَحْضَرَ النَّادِلُ الطَّعَامَ إِلَى الطَّاوِلَةِ

پیشخدمت غذا را به میز آورد.

غادر

غَادَرَ

ترک کرد

در جمله

غَادَرَ الرَّكْبُ الْمَدِينَةَ فَجْراً

کاروان سحرگاه شهر را ترک کرد.

وصف

وَصَفَ

توصیف کرد

در جمله

وَصَفَ الْكَاتِبُ الْمَنْظَرَ بِدِقَّةٍ

نویسنده منظره را با دقت توصیف کرد.

امتحان

امْتَحَنَ

امتحان کرد

در جمله

امْتَحَنَ الْمُعَلِّمُ الطُّلَّابَ فِي الرِّيَاضِيَّاتِ

معلم دانش‌آموزان را در ریاضی امتحان کرد.

نَظَّمَ

نَظَّمَ

سازماندهی کرد

در جمله

نَظَّمَ الطُّلَّابُ حَفْلَةً لِلْمَدْرَسَةِ

دانش‌آموزان جشنی برای مدرسه سازماندهی کردند.

خدم

خَدَمَ

خدمت کرد

در جمله

خَدَمَ الطَّيِّبُ مَرْضَاهُ بِإِخْلَاصٍ

پزشک با فداکاری به بیمارانش خدمت کرد.

حارب

حَارَبَ

جنگید

در جمله

حَارَبَ الْجُنُودُ دِفَاعًا عَنِ الْوَطَنِ

سربازان برای دفاع از وطن جنگیدند.

زَرَع

زَرَعَ

کاشت

در جمله

زَرَعَ الْفَلَّاحُ الْقَمْحَ فِي الْحَقْلِ

کشاورز گندم را در مزرعه کاشت.

حَصَدَ

حَصَدَ

درو کرد

در جمله

حَصَدَ الْفَلَّاحُ حَوْثَ الْمَحْصُولِ فِي الصَّيْفِ

کشاورزان در تابستان محصول را درو کردند.

عزف

عَزَفَ

نواخت

در جمله

عَزَفَ الْمَوْسِيقِيُّ لَنَا جَمِیلاً

نوازنده آهنگی زیبا نواخت.

نشر

نَشَرَ

منتشر کرد

در جمله

نَشَرَتِ الصَّحِیْفَةُ خَبْرًا مُهِمًّا

روزنامه خبری مهم منتشر کرد.

استأجر

إِسْتَأْجَرَ

اجاره کرد

در جمله

إِسْتَأْجَرَ الطَّالِبُ شَقَّةَ قُورَبِ الْجَامِعَةِ

دانشجو آپارتمانی نزدیک دانشگاه اجاره کرد.

ادّخر

إِدَّخَرَ

پس انداز کرد

در جمله

إِدَّخَرَ الشَّابُّ مَالًا لِلْسَّفَرِ

جوان برای سفر پول پس انداز کرد.

أنفق

أنفقَ

خرج کرد

در جمله

أنفقَ الرجلُ راتبَهُ على أسرتهِ

مرد حقوقش را برای خانواده‌اش خرج کرد.

هاجر

هاجرَ

مهاجرت کرد

در جمله

هاجرتِ العائلةُ إلى بلدٍ آخرَ

خانواده به کشوری دیگر مهاجرت کرد.

انضم

انضمَّ

پیوست

در جمله

انضمَّ اللَّاعِبُ إِلَى الْفَرِيقِ الْجَدِيدِ

بازیکن به تیم جدید پیوست.

استقال

استقالَ

استعفا داد

در جمله

استقالَ الْمُوظَّفُ مِنْ عَمَلِهِ

کارمند از شغلش استعفا داد.

عین

عین

منسوب کرد

در جمله

عَيَّنَتِ الشَّرِكَةُ مُدِيرًا جَدِيدًا
شرکت مدیری جدید منصوب کرد.

تخیل

تخیل

تصور کرد

در جمله

تَخَيَّلَ الطِّفْلُ عَالَمًا مُلَوَّنًا
کودک دنیایی رنگارنگ را تصور کرد.

خَطَّ

خَطَّ

برنامه‌ریزی کرد

در جمله

خَطَّ الْفَرِيقُ لِلْبَارَةِ الْقَادِمَةِ

تیم برای بازی بعدی برنامه‌ریزی کرد.

شارك

شَارَكَ

شرکت کرد

در جمله

شَارَكَ الطُّلَابُ فِي الْمُسَابَقَةِ الْعِلْمِيَّةِ

دانش‌آموزان در مسابقه‌ی علمی شرکت کردند.